

دلایل نورانی بودن قرآن

قرآن مجید برای نزول خود اهدافی را ذکر کرده است. این اهداف در سه مجموعه قرار می‌گیرند: بخشی ناظر به بعد بینش و فکر انسان است، بخشی دیگر به‌گرایش‌های انسان توجه دارد و بخش سوم، رفتار انسان را مد نظر قرار داده است. گزارشی از این سه بخش در پی می‌آید:

الف) اهداف قرآن در بعد بینش

۱- رهایی از غفلت

قرآن مجید یکی از اهداف خود را نجات انسان از غفلت معرفی می‌کند: «تنزیل العزیز الرحیم لتنذر قوما ما اندر آباؤهم فهم غافلون» (یس:۶); قرآن فرستاده خدای شکست‌ناپذیر و مهربان است تا کسانی را که پدرانشان بیم داده نشده‌اند بیم دهی؛ زیرا ایشان غافل‌اند. در این آیه، نجات مردم از غفلت، هدف قرآن تلقی شده است و برای تحقق چنین هدفی می‌فرماید: باید مردم بیم داده شوند تا به هوش آیند و از غفلت رهایی یابند.

انسان برای رسیدن به کمال واقعی خود، باید در چندراهی‌ها، راه صحیح را برگزیند و برای گزینش، باید به راه‌های گوناگون و سود و زیان هر یک توجه داشته باشد؛ ولی گاهی انسان در اثر سرکشی غرایز، به‌گونه‌ای می‌شود که تا حد حیوان تنزل می‌کند و از توجه به راه‌های گوناگون غافل می‌شود. این غفلت ریشه بسیاری از گمراهی‌ها و انحرافات است. قرآن مجید در توصیف جهنمیان می‌فرماید: «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون» (اعراف:۱۷۹); این گروه با آنکه چشم و گوش و عقل دارند از آنها بهره نمی‌گیرند؛ همانند چهارپایان، بلکه از آنان نیز گمراه‌ترند؛ زیرا اینان غافلان‌اند.

انسان در اثر غفلت، اصلاً توجه خود را به خدا، معارف حق و راه‌های تکامل از دست می‌دهد، تا چه رسد به آنکه آنها را برگزیند و بدان‌ها دل بندد و در مسیر آنها حرکت کند. قرآن می‌فرماید: برخی انسان‌ها از خدا، آخرت و آیات الهی، که نقش بسزایی در سعادت آنان دارد، غافل شده‌اند، باید به آن توجه کنند.

۲- به یادآوردن فراموش شده‌ها

خداوند بزرگ از راه فطرت، عقل و وحی، حقایقی را در اختیار بشر قرار داده، ولی انس با دنیا، لذاذات مادی و وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی سبب شده است که آن حقایق را فراموش کند. قرآن یکی از اهدافش به یاد آوردن آن حقایق است: «ان هو الا ذکر للعالمین» (تکویر:۲۹); قرآن برای جهانیان جز یادآوری چیز دیگری نیست.

قرآن مجید بر این باور است که انسان‌ها امور بسیاری را فراموش کرده‌اند. خداوند متعال، نعمت‌های او، آیات الهی، پیمان و میثاق خدا، معارف و احکامی که از سوی پروردگار در اختیارشان قرار گرفته است، معاد و روز جزا و اعمالی که خود انجام داده‌اند اموری است که انسان در طول زندگی خود آنها را فراموش می‌کند و ضرورت دارد که کسی آنها را یادآوری کند. برخی از انسان‌ها گاه در اثر فراموشی خدا، خود را نیز فراموش می‌کنند و دچار از خود بیگانگی می‌شوند؛ «سوالله فانساهم انفسهم» (حشر: ۱۹)؛ خدا را فراموش کردند، خداوند هم آنان را نسبت به خودشان دچار فراموشی ساخت.

انسانی که خود را فراموش می‌کند دیگری را، که بر او حاکم شده و در او نفوذ کرده است، خود می‌پندارد. او فکر می‌کند که خودش می‌خواهد و خودش تصمیم می‌گیرد، ولی در واقع، او نیست که تصمیم می‌گیرد؛ هوای نفس، شیطان و انسان‌هایی که او را مسخ کرده‌اند به او دستور می‌دهند، دردهای دیگران را، که دشمنان او هستند، درد خود می‌داند و درمان آنها را درمان خود می‌پندارد؛ زیرا آنها را خود پنداشته است. او به دنبال هوای نفس و شیطان می‌رود و می‌گوید: دلم می‌خواهد، خودم چنین تشخیص داده‌ام؛ «کالذی استهوته الشیاطین فی الارض حیران» (انعام: ۷۱)؛ مانند کسی که شیطان‌ها او را فریفته‌اند و عقل و دلش را ربوده‌اند سرگردان است، «کالذی یتخبطه الشیطان من المس» (بقره: ۲۷۵)؛ مانند آن که شیطان او را مس کرده، در او نفوذ نموده، تحت سلطه خود درآورده، او را از تعادل خارج کرده است و توان حرکت در مسیر تکامل خود را ندارد.

قرآن راه نجات از خودفراموشی و از خود بیگانگی را «یاد خدا» و فراموش نکردن او می‌داند. اگر انسان خدا را به یاد آورد خداوند هم او را یاد می‌کند: «فاذکرونی اذکرکم واشکروا لی و لا تکفرون» (بقره: ۱۵۳)؛ پس مرا (خدا را) یاد کنید، من هم شما را یاد می‌کنم و مرا سپاس گوئید و کفر نورزید. اگر خدا انسان را یاد کند از خودفراموشی نجات می‌یابد.

۳- ارائه بینش‌های صحیح و ضروری

انسان‌ها در شناخت خدا و جهان دچار برداشت‌های نادرستی شده‌اند و در بسیاری از موارد، شناخت صحیحی از جهان، خود و خدا ندارند، چنان که در موارد بسیاری نمی‌توانند با اتکاء به ابزارهای شناخت بشری شناخت‌های لازم را به دست آورند؛ «و ما اوتیتهم من العلم الا قليلا» (اسراء: ۸۵) قرآن مجید می‌فرماید: ما قرآن را فرو فرستادیم تا همه شناخت‌های صحیح و لازم برای هدایت انسان به کمال واقعی‌اش را در اختیار او قرار دهیم؛ «و انزلنا الیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (نحل: ۸۹) اصلاً دلیل آمدن پیامبران: همین بوده است که بشر از دستیابی به همه شناخت‌های لازم و صحیح، که برای سعادت وی ضروری می‌باشد، ناتوان است.

۴- ارائه دلایل روشن بر بینش‌های صحیح و ضروری

انسان برای پیمودن مسیر صحیح کمال نیازمند آن است که راه درست و صحیحی را، که به کمال واقعی او منتهی می‌شود، به او نشان دهند و بر صحیح بودن آن راه، دلیل روشن و قطعی نیز داشته باشد تا عقلش سیراب گردد، به پیمودن مسیر او را فرمان دهند و در طول راه دچار تردید و توقف یا عقب‌گرد نشود و در برابر شهوات و وساوس شیطانی از حیث عقلی نلغزد. قرآن کریم هم راه راستین تکامل را نشان می‌دهد و هم با پشتوانه دلایل روشن و یقین‌آور، استواری آن را تضمین می‌کند. قرآن کریم در آیاتی به این حقیقت اشاره می‌کند: «و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره: ۱۸۵)، «قد جاءکم برهان من ربکم.» (نساء: ۱۷۴)

البته نشان دادن راه به دو صورت ممکن است: نخست آنکه کلیه جزئیات موضوع از سوی قرآن بیان شود و بر آن استدلال گردد. دوم آنکه راهی برای به دست آوردن جزئیات موضوع به ما نشان دهد و بر آن استدلال کند؛ مثلاً، راه امامت را در اختیار ما قرار دهد و بر آن استدلال نماید و ما از طریق آن راه، جزئیات را به دست آوریم، بدون آنکه برای هر مساله نیازمند استدلال باشیم. هرچند این آگاهی‌ها غیر از ایمان به آنهاست، ولی علم زمینه ایمان را فراهم می‌سازد و اگر بسیار شفاف باشد و به آن معتقد شود زمینه‌ساز خشیت از خداست؛ «انما یخشی الله من عباده العلماء» (فاطر: ۲۸)؛ همانا بندگان دانشمند از خدا می‌ترسند.

۵- تبیین حق از باطل

تبیین مسائل اختلافی و ارائه معیاری برای شناخت حق از باطل در مسائل اختلافی و مشتبه، یکی دیگر از اهداف قرآن است: «و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبیین لهم الذی اختلفوا فیه» (نحل: ۶۴)؛ و ما کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای آنکه آنچه را در آن اختلاف کرده‌اند برایشان روشن سازی؛ «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره: ۱۸۵)؛ ماه رمضان است که در آن، قرآن برای هدایت مردم و ارائه نشانه‌های روشن هدایت و معیار تشخیص حق و باطل نازل شده است.

با آنکه بسیاری از حقایق از طریق دل، عقل و وحی در اختیار انسان قرار گرفته، ولی وساوس شیطان به شکل‌های گوناگونی جلوه حق را مشوه می‌کنند، حتی در حقایق روشن نیز اختلاف ایجاد می‌نمایند، به گونه‌ای که گاهی انسان‌های پاک‌سرشت نیز از تشخیص حق به طور کامل، ناتوان می‌شوند. قرآن، که کتاب هدایت هر انسان پاک‌سیرت است، برای زدودن زنگارهای وساوس شیطانی از چهره حقیقت، گاه خود به بیان حقایق مورد اختلاف می‌پردازد و گاه میزان و معیار تشخیص حق و باطل را بیان می‌کند؛ مانند ارجاع به اهل ذکر در آیه شریفه «فاسالوا اهل الذکر» (نحل: ۴۲) و یا آیاتی که بر اعتبار عقل، تجربه و حجیت قول پیامبر و امام وجود دارد.

۶- تدبر در آیات قرآن

تدبر و دقت در آیات قرآن در فهم آن نقش بسزایی دارد و در روایات نیز بر آن تاکید فراوان شده و خواندن بی‌تأمل و بی‌تدبر، بدون خیر و اسفبار نامیده شده است. در آیه شریفه ۲۹ سوره ص می‌فرماید: «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته»؛ کتاب پربرکتی فرو فرستادیم تا در آیاتش تدبر کنید. در آیه ۸۳ سوره نساء فهم اعجاز قرآن در هماهنگی را منوط به تدبر دانسته است و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند یا بر دل‌ها قفل زده شده است؟ از دو آیه اخیر استفاده می‌شود که تدبر در قرآن زمینه پی بردن به حقایق آن را فراهم می‌سازد و انسان را به راه صحیح دستیابی به کمال رهنمون می‌شود، مگر کسانی را که در اثر گناه بر دل‌هایشان قفل زده باشند.

۷- تفکر

قرآن مجید از «تفکر» بسیار ستایش کرده است و خود از طریق یادآوری یا بیان و توضیح آیات با مثال‌ها و توصیف‌های گوناگون و با گزارش کردن داستان‌ها، به بهترین بیان، سعی دارد که انسان را به فکرکردن وادارد تا با اندیشیدن درباره زندگی دنیا و آخرت مسیر تکاملی خود را شکل دهد و به مقدمه و گذرا بودن دنیا و جاودانگی آخرت پی ببرد و فریفته دنیا نشود و دنیا را هدف قرار ندهد.